

پیکار پامیر - کانادا

آقایان کرزی و ربانی از " شورای عالی صلح "

چه میخواهند!؟



اخیراً، یک منبع دولتی در کابل گفت که " قرار است هیأتی از شورای عالی صلح، ظرف یک هفته ی دیگر غرض دیدار با مقامات پاکستانی، از اسلام آباد دیدن کند. "

جالب اینست که باسناد اظهار منبع مذکور، در رأس این هیأت، برهان الدین ربانی قرار خواهد داشت و او، ضمن این سفر، از مقامات پاکستانی تقاضا بعمل خواهد آورد تا از طرح مذاکرات صلح کرزی با گروه طالبان حمایت نمایند. "

هرچند ما ، در گذشته نیز روی طرح مذاکرات صلح آقای حامد کرزی، عدم شفافیت طرح مذکور، بیهوده بودن و عدم موفقیت آن، تبصره هایی داشتیم ، مگر باز هم چون این سر و صدا ها ی میان خالی، فریبنده و ارتجاعی به هیچصورت به نفع اصل خواست ها و نیاز های ملی مردم افغانستان نمی باشد، بنابراین، لازم دیدیم یکبار دیگر پیرامون تلاشها و تگدی های سیاسی وی و اخیراً هم تلاشهای آقای ربانی تذکراتی داشته باشیم :

وقتی طرح مذاکرات آقای کرزی با گروه ستیزه جوی طالبان از بنیاد نادرست ، فریبنده و غیر شفاف باشد، مسلماً چنین مسافرتها و درویزه گریهای غرور شکنانه ی سیاسی در پیشگاه عربها و پاکستانی ها، آنهم بوسیله ی کسی که نه پیش مقامات پاکستانی ارزش و اهمیت چندانی دارد و نه نزد ارباب سعودی اش، هرگز نمیتواند گره از کار بکشد. آقای ربانی کسی است که سالهای طولانی را در خاک پاکستان سپری نموده و از حمایت های مقامات آی اس آی یا شبکه ی اطلاعات ارتش آن کشور برخوردار بوده است. وی امیر "حزب جمعیت اسلامی" است که چند سال قبل ، یکی از وزرای کابینه ی حکومت مرکزی پاکستان او را بگونه ی بیباکانه یی " احمق " خطاب کرد و در زمانیکه در کرسی ریاست جمهوری حکومت اسلامی نشسته بود، مقامات پاکستانی ، بدون اندکترین اعتنایی به وی و موقف رسمی اش بعنوان رییس جمهور ، به هر گوشه یی از افغانستان که دل شان میخواست میرفتند و با هر کسی که لازم میدانستند ، بصورت آمرانه و خود سرانه دیدار و گفت و گو میکردند.

علاوتاً، در زمانیکه ربانی در ارگ کابل بود، علی رغم آنکه گروه طالبان را " فرشته های صلح" خواند و مساعدتهای مالی هنگفتی به آنها بعمل آورد، با آنها ، گروه مذکور در عین حالیکه اندکترین ارزش و احترامی به خودش و موقفش دولتی اش قایل نشدند، مدت پنجسال، بلا وقفه علیه وی و رژیمش به جنگ های خونین هم پرداختند.

این همان چیزی است که هم حامد کرزی و هم شخص برهان الدین ربانی آنها میدانند و این را هم کاملاً درک میکنند که جلو گروه طالبان و حامیان پاکستانی آنها سخت در دست ایالات متحده ی امریکا و بریتانیا است و تا زمانیکه آندو قدرت جهانی نخواهند و واقعاً تصمیم نگیرند، هیچگونه تلاش و دویدن و مذاکره خواهی و عذر و مسافرت و ... نتیجه یی به سود حکومت آقای کرزی نخواهد داشت و هیچ نوع مسافرت و مذاکره و ... مقامات نظامی پاکستان را وادار به تمکین در این زمینه نخواهد ساخت. حال وقتی موضوع از این قرار است ، سوآلی که مطرح میشود اینست که آقایان کرزی و ربانی در پی کدام هدف اند و از این بازی چه بدست خواهند آورد؟

آقای حامد کرزی چندی قبل درخواست های عاجزانه یی از شاه عربستان سعودی نیز داشت تا گروهن طالبان را برای مذاکره و سهمگیری درحاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان وادار سازد. پادشاه سعودی و سازمان استخباراتی اش (المخابرات العامه) که در تشویق، تربیه و حمایت های مالی و سیاسی گروه طالبان چه در گذشته و چه در زمان حال، دست بلندی دارند، چون اجازه ی متحد

امریکایی و انگلیسی شان هنوز صادر نشده است ، بنابراین، حتا درخواست های عاجزانه ی کرزی را به هیچ گرفتند و خاموشی پیشه کردند.

حال معلوم نیست آقای ربانی با داشتن سوابق منفی دولتمداری، پشت سر گذاشتن جنگهای خونین با طالبان و موقف عاجزانه و وابسته گی عمیق در برابر مقامات پاکستانی وده ها نکته ی ضعیف و سؤال برانگیز دیگر، با چه امید ی به اسلام آباد مسافرت مینماید؟ آگاهان میگویند که ربانی با استفاده از موقعیت فعلی اش بعنوان رییس به اصطلاح شورای عالی صلح، میخواهد از یکطرف روابط سرد و ظاهراً گسسته اش را با پاکستان مجددا پیوند زده و عهد و پیمان جدید سرّی و سیاسی ببندد و از سوی دیگر، بهمین بهانه، به حساب و کتاب دارایی های سرشار خود در باتکهای پاکستان نیز رسیده گی کند.

نکته ی جالب دیگر اینست که در جریان همین هفته ، ملاضعیف سفیر سابق گروه طالبان در اسلام آباد که از مدتی است در تحت حمایت همه جانبه ی رییس جمهور در کابل بسر میبرد، طی یک مصاحبه در برنامه ی تلویزیونی آریانا افغانستان گفت : " طالبان مظلوم و محکوم واقع شده اند. بنابراین، اول باید به آنها احترام صورت بگیرد و بعداً طرح مذاکره در میان آورده شود. "

بلی، گروهی که علاوه از پنجسال امارت قرون وسطایی شان، همین حالا نیز همه روزه سر می بُرند و با براه اندازی انفجارات کور و بیرحمانه، پیکرصد ها انسان بیگناه ما را تکه و پارچه مینمایند و مانع هرنوع پیشرفت و دانش و معارف در کشور ما میشوند، بقول ملاضعیف ، گویا مظلوم و محکوم هم واقع شده اند (!؟) . و چون مظلوم واقع شده اند، پس باید ملت افغانستان و ملل جهان به این "مظلومان" قرن احترام بگذارند. آنچه که حامد کرزی از چند سال بدینسو، مغایر اساسات ملی، حقوقی، قانونی انجام داده و میدهد.

اگر یک لحظه فرض کنیم که طرح مذاکره با گروه طالبان به موفقیت برسد و آنها در ترکیب دولت کنونی سهیم شوند، در این صورت این سوال مطرح میشود که باز، چه واقع خواهد شد؟ آیا این گروه که آله ی دست بیگانه ها و بخصوص، مجری برنامه های فکری - سیاسی و نظامی مقامات پاکستانی درافغانستان و منطقه هستند، با افراد و گروه های دیگری که با عین ماهیت ، ولی وابسته به دولت های دیگر منطقه و جهان و یا ، مجری و مدافع منافع رقبای پاکستان و عربستان اند، دریک ظرف آرام خواهند گرفت؟ آیا گرایشات و تحرکات جدی قومی و ملیتی و زبانی که ظرف چند سال اخیر ازطرف

اجانب دامن زده شده و همین حالا، رسوبات آن تا سطوح بالای دولتی به چشم میخورد، اصطکاک خونین دیگری را به بار نخواهد آورد؟ آیا عقب‌گرایی شدید و تعصبات کور فکری و سیاسی طالبان با بخشهای تجدد خواه در دولت و در سطح جامعه، زمینه‌ی زیست باهمی را دگرگونه نخواهد ساخت؟ آیا کاریکاتور مسخره‌ی بی‌ساختار یک حکومت و یا معجون مرکب تلخ و نا‌شایسته‌ی بی‌بنام " صلح ودموکراسی" متبارز نخواهد شد؟

رُخ دیگری سکه‌چنین است که در این موقعی که حامد کرزی دُهل مذاکره با طالبان را به صدا در آورده و تعدادی از کهنه‌فکران و مزد بگیران و غنیمت پسندان بر محور چیزی بنام " شورای عالی صلح " گرد آمده‌اند تا به اصطلاح راه را به سوی صلح و مذاکره بگشایند، چرا مقامات امریکایی همانند خروس ، بانگ بی‌موقع بلند کرده میگویند که نیروهای امریکایی تا سال 2014 کاملاً از افغانستان خارج خواهند شد. این بانگ بیجا و بی‌موقع، هرچه باشد و بهرنحوی که بلند شده، یک نکته را میرساند و آن اینکه، به گروه مسلح و جنون زده‌ی طالبان با زبان خاص می‌فهماند " حال که نیروهای خارجی قرار است افغانستان را ترک گویند، چه نیازی به مذاکره با حکومت کرزی خواهند داشت؟" یا بعباره‌ی دیگر، به گروه طالبان و حامیان آشکار و پنهان شان این پیام را میرساند که یگانه نیرویی که پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، جانشین حکومت کرزی خواهد شد، گروه طالبان‌اند، پس، بگذار، این گروه، مذاکره و آرامش را رد کنند و دهشت گسترده‌تر را به راه اندازند. هرگاه مقامات امریکایی بگویند که منظور آنها چنین نیست ، پس باید به قناعت عامه بپردازند که اصل منظور شان از براه اندازی این سر و صداها ، آنها در چنین موقع خاص چیست؟ هرگاه احياناً بخواهند برخی از نیروهای شان را در سال 2014 از افغانستان بیرون هم بکشند، آیا در تحت شرایط حساس کنونی لازم خواهد بود دشمنان مردم افغانستان را هوشیار تر، بی‌باک تر و دلیرتر از پیش بسازند؟

بهرحال، ما را اعتقاد بر اینست که هرگاه قدرت‌های بزرگ جهان ، منجمله امریکا و انگلیس واقعاً میخواستند و تصمیم می‌گرفتند، میتوانستند سالها قبل جلو جنگ و خونریزی گروه طالبان را بگیرند و هرگاه امروز هم بخواهند، مسلماً میتوانند صلح و آرامش مورد نیاز مردم ما را فراهم کنند. البته دران صورت، نیازی به تلاش و تضرع جبونانه و غرور شکنانه‌ی حامد کرزی و سایر مزد بگیران دور و بر وی محسوس نخواهد بود. و اما، از آنجاییکه ابرقدرت امریکا و متحد جهانی اش (انگلیس) برنامه‌های وسیع‌تر و اهداف دراز مدت‌تر ستراتیژیک در افغانستان و منطقه دارند و رسیدن آنها به

اهداف شان، منطفاً و مسلماً استمرار نوعی جنگ و نا امنی را می طلبد، بنابراین، دو کشور مذکور می‌خواهند تا سالهای دیگر هم بر اوضاع نا امن و نا آسوده ی جاری ولو به شکل و شیوه ی دیگری مدیریت کنند و هرزمانیکه مطمئن شوند که به هدف یا هدف های تعیین شده ی خویش رسیده اند، آنگاه سرکوب گروه طالبان و تأمین صلح و آرامش در افغانستان به آسانی صورت خواهد گرفت. تا آنزمان، بخشهای مختلف و نیدخل سیاسی – نظامی در افغانستان به " بزنس " یا تجارت های سود آور خویش مشغول خواهند بود و مردم مظلوم و مقهور افغانستان ، همچنان در خون خویش خواهند تپید و الا که سیر اوضاع داخلی و خارجی در آینده، پیمایش دیگری اختیار نماید. (پایان)